

تصویر واقعی زنی درهمه فصل ها



فرزندخواندگی عبارت است از اعطای سرپرستی کودک بدون سرپرست شناخته شده تحت سرپرستی سازمان بهزیستی به خانواده های متقاضی ای که واجد شرایط قانون جاری حمایت از کودکان بی سرپرست باشند...

آشنایی با احکام فرزند خواندگی



شهر بانو

۴ صفحه ویژه بانوان مشهد
۱۵ زوئیل ۱۴۰۰ | ۲۳ شهریور ۱۴۴۱
شماره ۳۳۸ روزنامه شهرآرا
۲۶ ۵۳ ۹۹
شنبه



۴ مادری با ۲۳۶ فرزند!

ماجرای چهار روزگی دخترش برمی گردد، درست زمانی که سروشا درگیر بیماری سختی شد و تاب و توان را از مادر و پدر گرفت. سروشا بعد از یک دوره درمان خوب شد اما ذهن مادر را بی قرار نگه داشت.



گفت و گو با سیده فاطمه حسینی زنبوردار نمونه مشهدی که از حیاط خانه به ۶۰ شعبه فعال در کشور رسید

نان من از بیابان است

نگین زاهدی حسن سولانی شهرآرا

طوفان مهربانی یا افراط در صمیمیت

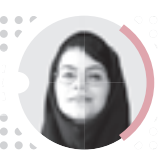


شاید برای شما هم پیش آمده باشد که برای خرید کالایی به جایی مراجعه کرده یا برای پرسیدن سوالی یا جایی تماس گرفته باشید و فروشنده یا پاسخ دهنده در همان ارتباط نخست از کلماتی بسیار صمیمی استفاده نبوده باشد. کلمات و جملاتی مانند «عزیزم»، «گلم»، «عشقم»، «فداتون بشم»، «قربون شما برم من» و «تاج سر منی عزیزم» از آن دست اند. به کارگیری این کلمات در ارتباطاتی که بسیار گذرا و موقتی هستند، نظیر یک مرکز خرید، کمی مایه تعجب است. آیا طوفان مهربانی جامعه ایران را فرا گرفته است؟

مشاهدات روزمره حکایت از آن دارد که معمولاً زنان در ارتباط با سایر زنان، حتی در نخستین تماس ها و دیدارها، بیشتر از این تعبیر صمیمی استفاده می کنند. البته این به آن معنا نیست که مردان از چنین کلماتی استفاده نمی کنند. ا عراق در صمیمیت یا نمایش صمیمیتی که از اساس وجود ندارد یکی از ویژگی های بخشی از مردان یا خرده فرهنگ گروه هایی از مردان در جامعه ایرانی است. «مخلص»، «نورکم»، «چاکرم» و کلماتی مانند «بفرما» در شرایطی که مشخص نیست شنونده به چه چیز باید «بفرماید» از آن جمله اند. نکته ای که در جامعه ایرانی شاید کمی عجیب به نظر آید گسترش ۲ وضعیت متناقض است به این معنا که از طرفی شاهد گسترش «ریک گویی» در گفت وگوهای عادی و از طرف دیگر شاهد بدل و بخشش در کلمات صمیمی در ارتباطات روزمره هستیم. بگذارید همین جا به نکته ای اشاره کنیم. به نظر می رسد که هر ۲ روند اجتماعی دست کم یک ویژگی مشترک دارند و آن این است که این کلمات زمانی بیان می شوند که خیلی زود است! یعنی چه «ریک گویی» چه «صمیمیت نمایی» زمانی ظهور و بروز می کنند که هنوز رابطه به آن نقطه از صمیمیت یا آن نقطه از تنفر و خشم نرسیده

است! همواره خیلی زود با فحش های رکیک نواخته، و با کلمات مهربانانه نوازش می شویم! گویا هر ۲ در نوک زبانمان است و در دلمان خبری از هیچ کدام نیست! بعید می دانم که این موج صمیمیت نمایی تصمیم آگاهانه جامعه ایرانی برای مقابله با موج «ریک گویی» باشد چون افرادی که راهبرد صمیمیت نمایی را در ارتباطات اجتماعی شان انتخاب کرده اند به آسانی می توانند وارد فاز رکیک گویی شوند. همان طور که گفتم، هر ۲ نوک زبانمان است. بدون تردید، زبان با تحولات و تغییرات جامعه و تغییرات فناوری به معنای اعم آن در ارتباط است. گمان جامعه شناختی نخست من آن است که گسترش صمیمیت نمایی و الفاظی مانند «عشقم»، «گلم»، «خانمم» و «جونم» در برخورد ها و تماس های اولیه اجتماعی و همچنین بذل و بخشش کلمات محبت آمیز بدون آنکه زمینه آن فراهم باشد بیانگر اهمیت یافتن جذب دیگران، به دست آوردن نظر مثبت سایرین، و جلوه کردن به عنوان آدمی مثبت و انرژی دهنده است. ابزار مناسب برای تحقق همه این ها هم روابط عمومی خوب است و صمیمیت نمایی صدیقی از روابط عمومی خوب تلقی می شود. ولی پرسش آن است که وقتی و هر نکته مکانی دارد. ●

هدی جاودانی
مترجم



سال خوردگی، انزوا و رنج

اموال) از زنان سالمند زمانی که همسر خود را از دست داده اند- بیشتر است. همچنین اشکال و ابعاد سوء استفاده و آزار و اذیت زنان سالمند اغلب شدیدتر و ادامه دار است. روابط بین فردی: محل زندگی مشترک عاملی خطرآفرین برای سوء استفاده از سالمندان است. وابستگی (اغلب مالی) احتمال سوء استفاده را بالا می برد. در برخی موارد، ناتوانی عضو سالمند خانواده و نگرانی و اضطراب به وجود آمده برای مراقبت و نگهداری از او روابط اعضای خانواده را تضعیف می کند. جامعه: انزوای اجتماعی سالمندان نبود حمایت های اجتماعی ای که در پی آن می آید از مهم ترین عوامل خطرآفرین برای سالمندان است. بسیاری از افراد سالمند ناتوان به واسطه ارتباط دادن حمایت اعضای خانواده خود به انزوا گرفتار شده اند. عوامل اجتماعی فرهنگی: این عوامل که ممکن است خطر بروز سوء استفاده را افزایش دهد شامل موارد زیر می شود: کلیشه های سن گرایی که بواسطه آن سالمندان ناتوان، شکننده و وابسته تصویر می شوند، از بین رفتن پیوندهای بین نسلی میان اعضای یک خانواده، نظام وراثت و حقوق مالکیت خانوادگی، ضعف فرهنگی بررسی شود. به توزیع قدرت و ثروت در خانواده ها اثرگذار است، مهاجرت زوج های جوان خانواده و رها کردن والدین سالمند در جوامعی که سنت نگهداری از سالمندان بر عهده فرزندان است. آگاهی از سالمندآزاری و جلوگیری از آن، مسئله ای است که در سراسر جهان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از آن غفلت شده است. سازمان ملل قصد دارد در روز جهانی آگاهی از سالمندآزاری، جوامع، رسانه ها و افراد پایین تری برخوردارند، احتمال غفلت و سوء استفاده های مالی (مانند تصرف

«روز جهانی آگاهی از سالمندآزاری» اولین بار در سال ۲۰۱۱ میلادی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به رسمیت شناخته شد و اکنون هر سال پانزدهم ژوئن (۲۶ خرداد) برگزار می شود. در سندی که سازمان ملل تنظیم کرده آمده است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی بیش از ۲۰ درصد جمعیت جهان بالاتر از ۶۰ سال یا بیشتر سن خواهند داشت و این سال خوردگی در کشورهای در حال توسعه با عدد و سرعت بیشتری همراه خواهد بود. با توجه به سند مجمع جهانی سازمان ملل، تعداد زنان سالمند در سراسر دنیا بیش از مردان است و افزون بر سن بالا، ناتوانی و دیگر زمینه ها، اغلب با اشکال چندانهای از تبعیض به واسطه نقش های اجتماعی خود ملل با اختصاص این روز، قصد دارد دولت ها را به توجه هرچه بیشتر به افزایش ظرفیت ها به ویژه در میان زنان سالمند تشویق کند. عوامل خطرزایی که ممکن است بستر سوء استفاده از فرد سالمند را فراهم آورد می تواند در سطوح فردی، روابط بین فردی، جامعه و سطح اجتماعی فرهنگی بررسی شود. عوامل خطرزای فردی: ضعف شرایط جسمانی و سلامت ذهنی در قربانی و اختلالات روانی و سوء مصرف موادمخدر و الکل در فرد سوء استفاده کننده را شامل می شود. از دیگر عوامل فردی ای که خطر سوء استفاده از فرد سالمند را افزایش می دهد جنسیت است. در حالی که مردان نیز مانند زنان در دوران سالمندی در معرض خطر سوء استفاده قرار دارند، در برخی فرهنگ ها که زنان از جایگاه اجتماعی پایین تری برخوردارند، احتمال غفلت و سوء استفاده های مالی (مانند تصرف

دکتر زهرا اردکانی
پژوهشگر مطالعات رسانه ای زنان



مادران اینستاگرامی و اضطراب کمال گرایی

همان طور که در یادداشت قبل توضیح دادیم، بخشی از فعالیت زنان ایرانی در اینستاگرام مربوط به نشان دادن روزمره های مادرانه شان است. مادران اینستاگرامی از فضایی که این شبکه اجتماعی در اختیارشان می گذارد برای به اشتراک گذاشتن تجربه های مادرانه شان با مخاطبانی که اغلب مادرانی شبیه خودشان هستند استفاده می کنند. صفحات آن ها را می توان مانند مهمانی یا جلسه ای تصور کرد که جمعی از مادران در آن حضور دارند و با هم درباره مسائل فرزندپروری صحبت می کنند. مادر میزبان صاحب صفحه با آب و تاب و مفصل از تجربه های خودش و کودکش می نویسد: کپشن های (متن های) طولانی، صمیمانه و همراه با احساسات که حالتی درد دل گونه دارد، شبیه گفت وگویی واقعی زنان با یکدیگر. تفاوتی که این صفحات با زندگی واقعی و گفت وگوهای واقعی دارد این است که در آن ها مادران اغلب لحظات خوششان با کودک و تجربه های شیرین مادرانه را مطرح می کنند و کمتر از سختی ها و مشکلاتشان می نویسند. آن ها تصویری ایده آل از مادر بودن را ترسیم می کنند، تصویری از یک مادر بی نقص که مدام در حال بازی های جدید با کودکش است، مادری که بر همه زوایای روان شناختی روح خود و خودش مسلط است و با برنامه ریزی های دقیق و حساب شده، لحظه لحظه تربیت کودکش را مدیریت می کند، مادر خستگی ناپذیری که از جست وجوی روش های نو و خلاق برای فرزندپروری دست نمی کشد و در عین حال، همسری کدبانو نیز هست. چنین توصیف کامل و ایده آلی از مادرانگی و زنانگی تأثیر دوگانه ای

مادری با ۲۳۶ فرزند!

گفت‌وگو با لعیابهشتی بانویی که زندگی‌اش را وقف کمک به کودکان بیمار کرده است



لاله سادات کوثری

l.kouchi@ajpharanews.ir

ما چرا به چهل روزگی دخترش برمی‌گردد، درست زمانی که سروشا درگیر بیماری سختی شد و تاب و توان را از مادر و پدر گرفت. سروشا بعد از یک دوره درمان خوب شد اما ذهن مادر را بی‌قرار نگه داشت. جرقه درمان بیمارانی که چند روز و نهایتاً چند سال با مرگ فاصله دارند در فکرش فعال شد. لعیابهشتی عامل این اتفاق نیک است. چند سالی می‌شود که در کنار معلمی، روستاب‌روستا و شهر به‌شهر کودکان بیمار را به نیکوکاران و مراکز درمانی معرفی کرده است، بیمارانی که درگیر بیماری‌های قلبی مادرزادی یا فلج مغزی هستند. او توانسته است با پیگیری و واسطه‌گری درمانی به عنوان خیر درمان، در مسیر سلامتی این بیماران قرار گیرد. این بانوی خیر به گفته خودش، اکنون مادر ۲۳۶ فرزند از جای جای ایران اسلامی است، فرزندی که شاید هرکدامشان این روزها در اوج سلامتی به زندگی روزمره‌شان ادامه می‌دهند.

یک اتفاق و یک کار خوب «به طور اتفاقی وارد موضوع درمان کودکان شدم. دلیل این کار هم پس‌زمینه تلخی بود که در ذهن داشتم. مدیر بودم. یک سال در مدرسه‌ام دانش‌آموزی که انحراف ستون فقرات داشت دچار مشکلات شدیدی شده بود. این انحراف به قدری شدید بود که ریه و قلب دانش‌آموز را درگیر کرده بود و فشار زیادی بر این‌اندام‌ها وارد می‌شد. اما به دلیل مشکلات مالی، عمل جراحی آن کودک مقدور نبود و خانواده‌اش نیز تحت فشار بودند.»

پزشکان گفته بودند اگر عمل جراحی ستون فقرات صورت نگیرد، کودک نهایتاً تا یک سال بیشتر زنده نخواهد بود اما با پیگیری‌های مکرر و راهنمایی‌ها و کمک دکنری که فرزند خودش نیز دچار این بیماری بوده است، لعیابهشتی به مرحوم پروفسور کیوان مژدا که سالی ۲ مرتبه از فرانسه به ایران می‌آید وصل می‌شود. او

در مورد بیماری‌های قلبی ۳۵ کودک و نوجوان بدون دریافت وجهی با کمک دکتر نظافتی در مشهد عمل شدند. هزینه‌های عمل جراحی را مؤسسات خیریه درمانی فعال پرداخت کردند. در حوزه بچه‌های محروم نیز مهربانان کلاهان سنگ تمام گذاشتند.»

➤ مداوای ۲۳۶ بیمار

تاکنون ۲۳۶ نفر مداوا شده‌اند که در بین آن‌ها نوزاد چهل‌وپنج‌روزه نیز دیده می‌شود. بیشترین آمار متعلق به بچه‌هایی است که کمتر از ۱۸ سال دارند. لعیابهشتی در ادامه صحبت‌هایش به نحوه پیدا کردن و شناسایی بیماران «ای‌بی» یا همان «پروانه‌ای» اشاره می‌کند و می‌گوید: «بیماران ای‌بی یا همان بیماران پروانه‌ای نیز کم‌کم به جمع مداوای بیماران ما افزوده شدند. وقتی به بنیاد بیماری‌های خاص رفتم با بچه‌های پروانه‌ای آشنا شدم و متوجه شدم در فریمان چند مریض پروانه‌ای وجود دارد. به فریمان رفتم و از طریق فرمانداری و آموزش و پرورش ۴ بیمار پروانه‌ای را در این شهر پیدا کردم. او اضافه می‌کند: «بیماران ای‌بی وضعیت خیلی خاص و حادی دارند. پوستی بسیار آسیب‌پذیر دارند. نوازش پوست

آن‌ها برایشان آزاردهنده است. شانه زدن به مو برای این‌بیماران بسیار دردناک است. همه اندام‌های داخلی‌شان زخم است و هر چند وقت یک بار عمل جراحی داخلی باید انجام دهند. انگشت‌های این بیماران به هم می‌چسبد. خانواده‌ها نیز عمدتاً از طریق مراکز خیریه حمایت می‌شدند اما چون هزینه‌های درمان این بچه‌ها بسیار بالاست با یکی از گروه‌های درمانی به نام راه سلامتی وارد عمل شدیم و خوشبختانه توانستیم این بیماران را به طور ویژه تحت پوشش را قرار دهیم. اکنون تمام هزینه‌های عمل جراحی، دارویی و پانسمان‌های خاص این بیماران از سوی خیریه راه سلامتی تحت پوشش است. این خیریه تاکنون بچه‌های زیادی از بیماری پروانه‌ای را تحت پوشش قرار داده است.»

➤ کاربری ناشناس و ۳ هفته تلاش

بهشتی ادامه می‌دهد: «همه این ۲۳۶ بیمار به نوعی فرزندان من هستند. یادم می‌آید با یک حساب کاربری ناشناس، کودکی بیمار در منطقه رضویه به من معرفی شد. برایم نوشته بودند کودک کلاس اولی به این دلیل که کاش باز است از سنخش رد شده و باید در مدرسه استثنایی درس بخواند. آن زمان هیچ نشانه‌ای نداشتم جز اینکه

این کودک در منطقه رضویه است. تصمیم گرفتم او را پیدا کنم. ۳ هفته روستا به روستا منطقه رضویه را گشتیم تا اینکه یک شب خسته و ناامید از شورای آخرین روستا درس پسر بچه را پرس و جو کردم و بالاخره در خوشحالی و آرامش خاطر پدر و مادرش بهترین هدیه‌ای است که در ذهن دارند.

➤ ستون فقراتی که درمان نشد

بهشتی که تمام زندگی‌اش را صرف کمک به خانواده‌های نیازمند درمان کرده است حالا صاحب خانواده بزرگی است هرچند خاطرات تلخی هم وجود دارد که از آرش داده‌اند. از آنجایی که جراحی ستون فقرات خطر زیادی دارد یکی از کودکان بعد از جراحی توان حرکت را در پاهایش از دست داده، چیزی که هرگز از یاد این بانوی نیکوکار نرفته است. با این حال می‌گوید: «یادمان باشد بخشنده بودن قبل از اینکه پول زیادی طلب کند دل بزرگی می‌خواهد. من خودم را آدم خاصی نمی‌بینم. فقط یک رابط هستم و دوست دارم این مسیر را ادامه دهم.»

➤ شرایط کودکان

۱- امکان شناخت پدر، مادر و جد (پدربزرگ) پدری آن‌ها وجود نداشته باشد. ۲- هیچ کدام از پدر، مادر یا جد پدری آن‌ها زنده نباشند. ۳- کودکانی که سرپرستی آن‌ها از سوی دادگاه به بهزیستی سپرده شده است و تا ۲ سال بعد از آن پدر، مادر یا جد پدری آنان برای سرپرستی به بهزیستی مراجعه نکرده باشد. ۴- پدر، مادر یا جد پدری صلاحیت سرپرستی از کودک را نداشته باشد. پس از احراز همه شرایط مذکور، خانواده‌ها چند ماه زیر نظر مشاوران قرار می‌گیرند و در صورت موفقیت‌آمیز بودن نتیجه، حکم فرزندخواندگی دائم صادر خواهد شد. ●

پذیرش سرپرستی کودکان و نوجوانان را بدهند. ۳- زن و شوهر دارای فرزند که دست کم یکی از آن‌ها بیش از ۳۰ سال سن داشته باشد. باید یادآور شد دختران و زنان بدون همسر تنها می‌توانند سرپرستی کودکان دختر بالای ۲ سال را برعهده بگیرند و اگر قصد ازدواج داشته باشند، باید مشخصات فرد مورد نظر خود را به دادگاه اعلام کنند تا دادگاه با بررسی پرونده، درباره ادامه سرپرستی یا فسخ آن تصمیم بگیرد.

برای سرپرستان نیز شرایط خاصی حاکم است که باید حتماً به آن‌ها توجه شود: ۱- محجور نباشند و بتوانند امور مالی و غیرمالی خود را در کمال صحت عقل انجام دهند. ۲- نداشتن محکومیت کیفری مؤثر ۳- داشتن سلامت جسمی و روانی و توانایی عملی لازم برای نگهداری و تربیت کودکان و نوجوانان تحت سرپرستی و مبتلا نبودن به بیماری‌های واگیر یا صعب‌العلاج ۴- اعتیاد نداشتن به مواد مخدر، روان‌گردان و مشروبات الکلی ۵- داشتن صلاحیت اخلاقی ۶- اعتقاد به یکی از ادیان به رسمیت شناخته شده در ایران ۷- داشتن تمکن مالی از آنجا که متقاضیان سرپرستی موظف‌اند همه هزینه‌های مربوط به نگهداری و تربیت و تحصیل افراد تحت سرپرستی خود را حتی پس از

چگونه می‌توان آن‌را از بین برد یا کم کرد؟ مادر یک اجتماع بزرگ زندگی می‌کنیم، در یک موقعیت خانوادگی که معمولاً قادر به تغییر آن نیستیم، در یک شرایط اقتصادی مشخص که تغییر آن گاهی بسیار دشوار است. ما عادت کرده‌ایم موقعیت اجتماعی خودمان را با دوستانمان مقایسه کنیم اما مشکل جدیدی هم اضافه شده است:

ما خودمان را با آدم‌هایی که در فضای مجازی،

زندگی خود را در معرض دید ما قرار

می‌دهند مقایسه می‌کنیم و

اینجاست که حس یک بازنده

تمام عیار را داریم. شغل و

جایگاه و تحصیلات و

موقعیتمان را زیر سؤال

می‌بریم و زندگی‌مان

لبریز از اضطراب

می‌شود. دوباتن اسم

این حس را گذاشته

است اضطراب منزلت!

اما روش‌های مقابله با

این احساسات را نیز تا

اندازه‌ای برایمان روشن

می‌کند. کتاب در ۲ بخش

کلی نوشته شده است. در

بخش نخست به علت‌های این

اضطراب می‌پردازد، عللی چون

نیاز به عشق، توقع، شایسته‌سالاری،



عکس: احمد حسینی اشپور



اسکن کنید

تا ۳ هفته روستا به‌روستا منطقه رضویه را گشتیم تا اینکه یک شب خسته و ناامید از شورای آخرین روستا درس پسر بچه را پرس و جو کردم و بالاخره در کمال ناامیدی او را پیدا کردم. این کودک اکنون کلاس سوم دبستان است



(۴)



شهربانو

مشهد و نخستین گزارش‌ها از پرورشگاه اطفال



غلامرضا آذری خاکستار
گزارش‌رئیس‌جمهور



سابقه فعالیت منظم مؤسسات خیریه در زمینه نگهداری کودکان بی‌سرپرست را باید در دوره معاصر جست‌وجو کرد هرچند در منابع تاریخی گزارش‌های پراکنده از دارالایتم‌ها وجود دارند و طبق اسناد، این مراکز به طور عمده آموزش‌محور بودند. محتوای اسناد و گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که در شهر مشهد نیز نشانه‌هایی از دارالایتم‌ها به‌خصوص در جوار حرم مطهر امام رضا^(ع) از دوره صفویه به بعد وجود داشته است. به نظر می‌رسد نخستین گزارش‌ها در این زمینه مربوط به مکتب‌خانه ایتم‌است که در آن تعدادی از کودکان ضمن آموزش، امکاناتی چون غذا و لباس دریافت می‌کردند. همچنین لابه‌لای اسناد تاریخی گزارش‌هایی از فعالیت تشکیلات حرم مطهر در زمینه پرداخت مستمیری و لباس به ۲۰ نفر از دختران یتیم در سال ۱۳۷۱ هجری قمری وجود دارد. اهمیت موضوع تا آنجاست که تعدادی از موقوفات به این امر اختصاص داده شده است. محمود بیگا، یکی از واقفان دوره صفویه، در سال ۱۱۲۰ هجری قمری بخشی از اموالش را وقف ایام سادات و تعلیم و تربیت آن‌ها کرده است. سید میرزا صراف نیز در سال ۱۲۷۱ هجری قمری موقوفه‌ای برای اطفال ایتم سادات وقف کرده است. همچنین میرزا محمدحسن ملقب به میرزاپایا در دوره قاجار وقف‌نامه‌ای برای مصارف اطفال ایتم سادات اعم از تحصیل، پوشاک و غذای آن‌ها به‌جانهاده است.

قبل از تأسیس پرورشگاه، نوزادان و اطفال کوچکی که در کنار معابر عمومی شهر مشهد رها می‌شدند به دارالشفای منتقل می‌شدند. آستان قدس هم با پرداخت مبلغی به زن‌ها درواغه دایه‌ای برای آن‌ها می‌گرفت. در منابع مربوط به تاریخ مشهد، پیشنهاد تأسیس دارالایتم در زمان قوام‌السلطنه، فرمانروای خراسان، وجود دارد. قبل از اینکه مکانی به صورت مجزا به اطفال بی‌سرپرست اختصاص داده شود، میزان مرگ و میر در بین آن‌ها به‌وفور گزارش شده است. بنابراین بوجه‌ای برای تأسیس پرورشگاه اختصاص داده می‌شود تا با مراقبت صحیح و رعایت مسائل بهداشتی، از مرگ و میر آن‌ها جلوگیری گردد. در سال ۱۳۰۶ خورشیدی آستان قدس رضوی عمارت آقای معتمدرا که در اراضی الندشت واقع شده بود خریداری و به پرورشگاه اختصاص داد. شرایط پذیرفتن اطفال در این مؤسسه بالاخص باید بودن آن‌ها ذکر شده است به شرطی که سن آن‌ها از ۶ سال بیشتر نباشد. در غیر این صورت، به دارالترتیه فرستاده می‌شدند. در سال ۱۳۱۶ خورشیدی مراقبت طبی و بهداشت اطفال در این مؤسسه، تحت نظر دکتر حسین سامی به عمل می‌آید. گزارش‌های دکتر بقراط در سال ۱۳۰۷ خورشیدی حاکی از آن است که او برای مداوای کودکان به پرورشگاه رفته و اطفال آنجا را معاینه و مداوا کرده است. پرورشگاه نخست زیر نظر دارالشفاداره می‌شد و بعد از تأسیس بیمارستان امام‌رضا محل آن به محوطه این بیمارستان منتقل شد. چند سال بعد به مرکزی واقع در کوهسنگی تغییر مکان داد. همچنین پرورشگاه ایتم دارالترتیه در سال ۱۳۰۸ خورشیدی تأسیس شد. این مؤسسه در ابتدا با نوانخانه توأم بوده است. از سال ۱۳۱۴ خورشیدی نوانخانه از دارالترتیه جدا و این مؤسسه به‌تدریج تحت قاعده و انتظام صحیحی در آمده است. به‌طوری که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی تعداد ۳۰۰ نفر طفل در آنجا نگهداری می‌شدند. که از آن جمع، ۲۳۵ نفر پسر و ۶۵ نفر دختر بوده‌اند. دارالترتیه شاهپور نیز از دیگر مراکز نگهداری کودکان در شهر مشهد بوده است که نشانه‌هایی از فعالیت این مرکز بین سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۳۰ خورشیدی وجود دارد. ●

فرزندان مادران ایرانی متقاضی تابعیت به استناداری‌ها مراجعه کنند

سید سلمان سامانی، سخن‌گوی وزارت کشور، با بیان اینکه متقاضیان درخواست تابعیت ایرانی به استناداری‌ها مراجعه کنند افزود: پدران غیرایرانی در صورت نداشتن مشکل امنیتی تابعیت می‌گیرند.

